

رویکرد شهروندان تهرانی نسبت به متکدیان

کرم حبیب پور گتایی*

چکیده

تکدی‌گری یکی از آشکارترین نمادهای طرد اجتماعی در جامعه مدرن است که همواره عوامل مختلف دولت، مردم و متکدیان در تولید و بازتولید آن نقش دارند. در این تحقیق، بنا به نقش شهروندان در این امر، به بررسی رویکرد شهروندان تهرانی نسبت به فعل تکدی و سنخ متکدیان در سه بُعد نگرش، گرایش و کنش پرداخته شد. مطالعه حاضر با روش پیمایش و ابزار پرسش‌نامه در بین ۶۰۰ نفر از شهروندان مرد و زن ۱۵ تا ۶۵ ساله در شهر تهران انجام گرفته است که با روش‌های نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، تصادفی نظام‌مند و ساده انتخاب شده بودند. یافته‌ها نشان داد که از حیث کمک شهروندان به متکدیان، چهار سنخ از شهروندان تهرانی شامل دستگیری‌کننده قهار، دستگیری‌کننده معمولی، دستگیری‌کننده خنثی و بی‌توجه، و غیردستگیری‌کننده قابل‌شناسایی‌اند که اکثریت نسبی شهروندان جزو دستگیری‌کننده معمولی هستند. همچنین، بین نگرش به کنش تکدی، گرایش به کمک به متکدی، اعتقاد به شیوع فقر در سطح جامعه، اعتقاد به نقش مردم در گسترش تکدی و احساس تکلیف نسبت به کمک به متکدی با کمک شهروندان به متکدی رابطه وجود دارد. یافته‌ها دلالت بر آن دارند که جریان کلی نگرش شهروندان تهرانی نسبت به کنش تکدی منفی است و آن را فعلی غیراخلاقی، غیرحرفه‌ای، ریشه در دلایل فردی، فاقد آثار مثبت برای کمک‌کنندگان به متکدی و... می‌دانند، اما رویکرد بخشی از شهروندان تهرانی نسبت به متکدیان پارادوکسیکال است. این گروه اخیر در عین حال که باور دارند کمک به متکدیان باعث گسترش و تعمیق آن در جامعه شده و در نهایت به فرد و جامعه آسیب می‌زند، اما همچنان معتقدند که متکدیان افرادی نیازمند ترحم و کمک‌اند و کمک به آنان یک تکلیف انسانی و مذهبی و در نتیجه امری واجب است.

کلیدواژه‌ها: تکدی، متکدی، نگرش، گرایش و کنش به متکدی.

مقدمه و بیان مسئله

تکدی‌گری یکی از آشکارترین نمادهای طرد اجتماعی در جامعه مدرن (بنیاد جوزف رونتری، ۲۰۰۰) و روشی برای ارتزاق زندگی است که از گذشته بسیار دور در تمامی جوامع دیده شده و همچنان دیده می‌شود. آنچه امروزه در جامعه ایران شاهدیم، افزایش روزافزون این قشر آسیب‌پذیر است که هر روز با چهره‌ها و روش‌هایی نو به این امر مشغول‌اند. جدای از اثرات مخرب این فعالیت‌ها بر چهره یک جامعه، باید پایین‌آمدن امنیت اجتماعی، زبان اقتصادی و فرهنگی جامعه و همچنین آسیب خود قشر تکدی را از آثار نامطلوب این فعل تلقی کرد (اقتباس از منتظر قائم، ۱۳۸۶: ۸).

بنا به این شرایط، شورای عالی اداری طی مصوبه‌ای در سال ۱۳۷۸، دستگاه‌های مختلف را موظف به ساماندهی این آسیب اجتماعی کرده و مواد ۷۱۲ و ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی نیز، به‌صراحت تکدی‌گری را جرم تلقی کرده است. در ایران، مسئله تکدی‌گری در سال‌های بین ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ با تشکیل ستادی در نخست‌وزیری مطرح و پیگیری شد. پس از آن، راهکار دولت ایران برای مقابله با آسیب تکدی‌گری، تصویب «طرح جمع‌آوری متکدیان و ولگردان» در دولت (کوچکیان‌فرد، ۱۳۸۱) و در ادامه آن، تشکیل ستاد ویژه‌ای تحت عنوان «ستاد مبارزه با آسیب‌دیدگان اجتماعی» در استان‌ها و شهرستان‌هاست که هدف از ایجاد این ستاد، ساماندهی آسیب‌دیدگان اجتماعی، کودکان کار و متکدیان با همکاری و وظایف مشخص ادارات مختلفی از جمله شهرداری، فرمانداری، کمیته امداد امام خمینی (ره)، اداره کار و فنی و حرفه‌ای و نیروی انتظامی و زیر نظر فرمانداری هر شهرستان عنوان شده است. بنا بر آمار ارسالی ستادهای استانی به وزارت کشور، در سال ۱۳۷۹، تعداد جمعیت تکدی برابر با ۲۲۹۳۸ نفر بود که در سال ۱۳۸۰ برای ۲۸ استان کشور، این تعداد به ۱۷۲۷۹ نفر کاهش یافت و در سال ۱۳۹۰ بار دیگر به ۴۷۵۸۶ نفر افزایش یافت که در مقایسه با سال ۱۳۸۰، با افزایش حدود ۱۰۷ مواجه بوده است (دفتر امور اجتماعی وزارت کشور، ۱۳۹۰).

آخرین اقدامات در زمینه برخورد با پدیده تکدی‌گری در کشور، طرح جمع‌آوری متکدیان از سطح شهر تهران است که از تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۵ با همکاری شهرداری تهران، کمیته امداد امام خمینی، سازمان بهزیستی و سایر ارگان‌های مربوط آغاز شده است (حاجیان‌مطلق، ۱۳۸۱: ۲۱۳) و هر ساله نیز بنا به مناسبت‌های مختلف سیاسی و مذهبی ادامه می‌یابد. نتایج بررسی‌ها درباره اقدامات فوق نشان می‌دهد که پس از گذشت حدود هجده سال از آغاز طرح ساماندهی متکدیان شهر تهران، هنوز اقدام جدی از سوی مراجع ذی‌ربط صورت نگرفته است. البته هرازگاهی اقداماتی فصلی و ضربتی به‌طور موقت در شهر برای اسکان متکدیان و بی‌خانمان‌ها

¹ Joseph Rowntree Foundation

از سوی شهرداری تهران و نیز سازمان بهزیستی انجام شده، اما این امر نتوانسته موضوع متکدیان را سامان بخشد. حاجیان مطلق (۱۳۸۱) دلایل ناکامی اقدامات سازمان‌های متولی در زمینه کاهش تکدی‌گری را، فقدان تلقی واحد از تکدی و متکدیان در بین سازمان‌ها و ارگان‌های مسئول، پیچیدگی و وسعت مسئله تکدی‌گری، حلقه بسته تکدی، نبود هماهنگی بین دستگاه‌های ذی‌ربط، کمبود اعتبار مالی لازم، تعدد متولی سامان‌دهی متکدیان و مسئله متکدیان غیرایرانی دانسته است. این در حالی است که جدا از عوامل سازمانی و نقش سازمان‌ها و دستگاه‌های مسئول، عوامل خرد در سطوح متکدیان از یک سو و عموم مردم از سوی دیگر نیز نقش مهمی در شکل‌گیری و گسترش تکدی‌گری در شهر تهران دارند. به طوری که در این رابطه، بایستی از کنش تکدی‌گری به عنوان یک تعامل اجتماعی یاد کرد که در شکل‌گیری و گسترش آن، به ویژه دو جناح متکدیان و مردم سهم مهمی دارند. بدین معنی که از یک سو، متکدیان بنا به دلایل فردی، خانوادگی، ساختاری، نابسامانی اجتماعی و... به امر تکدی روی می‌آورند و از مردم طلب کمک و دستگیری می‌کنند و در سوی دیگر، مردم و شهروندان با پاسخ مثبت و کمک البته مستقیم خود، سنخ «متکدی» و پدیده «تکدی‌گری» را بازتولید می‌کنند.

نتایج مطالعه‌ای در سال ۱۳۹۱، بر این تکرار عوامل مرتبط با شکل‌گیری و گسترش تکدی‌گری در کشور صحه گذاشته است. به طوری که طبق این مطالعه که به بررسی عملکرد چهار نهاد شهرداری، سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی (ره) و وزارت کشور در برخورد با پدیده تکدی‌گری پرداخته است، دو دسته عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی در ناکامی مبارزه با تکدی‌گری در ایران مؤثر بوده‌اند: (۱) عوامل درون‌سازمانی مانند فقدان برنامه مدون در سازمان‌های مرتبط جهت مبارزه با تکدی‌گری، کمبود بودجه و اعتبارات، تغییر مداوم مسئولین، ضعف دانش کارشناسان در زمینه تکدی‌گری، آئین‌نامه و مراکز نگهداری، و مقصدانستن همدیگر و عدم قبول مسئولیت در قبال کم‌کاری سازمانی. (۲) عوامل برون‌سازمانی مانند عوامل سازمانی، عوامل معرفتی، عوامل قانونی و عوامل اجتماعی-فرهنگی (حبیب‌پور گتایی، ۱۳۹۱).

باری، با عنایت به گستره دامنه و عمق آسیب تکدی‌گری در جامعه بخصوص در کلان‌شهرهایی مانند تهران از یک سو و نقش شهروندان تهرانی در منع یا تعمیق آن از سوی دیگر، مسئله این است که شهروندان تهرانی چه نگرش و گرایشی نسبت به کنش تکدی و متکدیان دارند و تجربه کمک آنها به متکدیان چگونه و به چه میزان است؟ و آیا می‌توان شهروندان تهرانی را از نظر کمک و دستگیری نسبت به متکدیان تقسیم‌بندی کرد؟

چارچوب نظری

در این تحقیق، مواجهه شهروندان تهرانی با فعل تکدی و متکدیان در شهر تهران براساس سه دیدگاه نظری کارکردگرایی، برچسب‌زنی (با تأکید بر نظریهٔ زیمل) و ساختاربندهی (گیدنز) به شرح زیر تبیین شده است که هر یک گزاره‌های متفاوتی دربارهٔ کیفیت این مواجهه دارند. (۱) اولین دیدگاه مورد استفاده، دیدگاه کارکردگرایی است که طبق اصول آن (مبنی بر عمومیت، ضرورت و وحدت پدیده‌ها)، تکدی‌گری نوعی نماد اجتماعی است که برای کل نظام اجتماعی لازم و مؤثر است. بنابراین، پدیدهٔ تکدی‌گری تنها با نتایجی که برای کل نظام جامعه دارد تحلیل می‌شود. بدین معنی که متکدیان (به‌عنوان سنخی از فقرا) کارکردهای مثبتی برای غیرمتکدیان (غیرفقرا) و جامعه در کل دارند. حضور فقر در جامعه بدین معناست که کارهای کثیف جامعه با هزینهٔ پایین انجام خواهد شد. وجود فقر برای جرفی فرصت‌های شغلی ایجاد می‌کند که به فقرا سرویس می‌دهند؛ یعنی هم اشتغال قانونی (کارشناسان بهداشت و مددکاران اجتماعی) و هم اشتغال غیرقانونی (معامله‌گران مواد مخدر). به این ترتیب، وجود فقر موقعیت بالاتر افراد ذی‌نفع جامعه را تضمین می‌کند. به همین سیاق، اوگونکان (۲۰۰۹) معتقد است که وجود متکدیان به اعضای جامعه کمک می‌کند تا به تعهدات اجتماعی، مذهبی و اقتصادی خود عمل کنند. از آنجاکه بسیاری از ادیان مردم را به دادن صدقه و کمک به افراد نیازمند تشویق می‌کنند، بنابراین مردم با صدقه‌دادن به متکدیان به تعهدات مذهبی خود عمل می‌کنند. کارکردهای غیرمذهبی متکدیان (از جمله سرگرمی شهروندان از راه آوازخوانی متکدیان در نیجریه) نیز از این دیدگاه قابل بحث است. علی‌رغم این، او هیچ‌وقت راجع به تکدی‌گری به‌عنوان شکل مشروع یا مطلوب کنش اجتماعی قضاوت نمی‌کند (جلیلی، ۲۰۰۶).

بنابراین، براساس دیدگاه کارکردگرایی، در این تحقیق به این موضوع پرداخته شد که تکدی‌گری کارکرد مذهبی و معنوی در جامعهٔ ایران دارد. یعنی وجود متکدیان به اعضای جامعه کمک می‌کند تا به تعهدات اجتماعی، مذهبی و اقتصادی خود عمل کنند. از آنجاکه دین اسلام مردم را به دادن صدقه و کمک به افراد نیازمند تشویق می‌کند، بنابراین مردم با صدقه‌دادن به متکدیان به تعهدات مذهبی خود (به شکلی نادرست، یعنی از طریق امداد مستقیم، نه سازمان‌یافته و نهادی) عمل می‌کنند.

(۲) نظریهٔ برچسب‌زنی^۲ نظریهٔ دومی است که در این تحقیق جهت بررسی نحوهٔ مواجهه شهروندان تهرانی با تکدی و متکدیان استفاده شده است. این نظریه انحراف را مفهومی ساختهٔ جامعه می‌داند؛ یعنی گروهی در جامعه با تصویب قوانینی که تخطی از آنها انحراف محسوب می‌شود،

^۱ Ogunkan

^۲ Labeling Theory

مفهوم انحراف را می‌سازند. از این منظر، منحرف کسی است که این برچسب (انحراف) به‌طور موفقیت‌آمیزی در مورد او به کار رفته و انحراف عملی است که دیگران آن را چنین تعریف کرده باشند (بکر، ۱۹۶۳: ۹؛ نقل از صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۲۵). طبق این نظریه، گروه‌های اجتماعی با وضع قوانینی که تخطی از آنها مستوجب انحراف است، خود باعث ایجاد انحراف می‌شوند. بنابراین، علت انحراف برچسب منفی‌ای است که به فرد کج‌رو زده می‌شود، سپس این برچسب در فرد درونی شده و نهایتاً نیز فرد براساس آن برچسب عمل می‌کند. برای مثال، اگر معلمی به یک دانش‌آموز برچسب شلوغ و نافرمان بزند، این دانش‌آموز این برچسب را که از طرف یک منبع قدرت دریافت کرده، در خود درونی می‌کند و رفتار شلوغ و نافرمانی خواهد داشت.

علاوه بر این، در این تحقیق برای پیوند نظریه برچسب‌زنی با تکدی‌گری، از نظریه «جامعه‌شناسی صوری» و به‌طور مشخص نظریه «سنخ‌های اجتماعی» جورج زیمل استفاده شده است که سهم مهمی در تبیین نقش شهروندان در بر ساخت و بازتولید سنخ متکدی در شهر تهران دارد. زیمل در توضیح سنخ‌های اجتماعی، هر سنخ اجتماعی ویژه را محصول کنش، توقعات و رابطه با کسان دیگری می‌داند که پایگاه ویژه‌ای به او می‌دهند و از او انتظار دارند که به شیوه خاصی رفتار کند (کوزر، ۱۳۷۷: ۲۵۴). زیمل قائل به سنخ‌های اجتماعی خاصی است که از جمله می‌توان به بیگانه، فقیر، خسیس، آدم ولخرج و ماجراجو اشاره کرد. در موضوع تحقیق حاضر، از مفهوم‌سازی او راجع به سنخ فقیر برای توضیح مواجهه شهروندان تهرانی با متکدیان استفاده شده است.

طبق نظر او، فقیر یک سنخ اجتماعی است و زمانی پدید می‌آید که جامعه فقر را به‌عنوان یک منزلت اجتماعی به رسمیت بشناسد. زیمل در بخشی از کتاب *مسائل اجتماعی* با عنوان *فقیر^۱ می‌نویسد: «این واقعیت که شخص فقیر است، به آن معنا است که به مقوله اجتماعی خاص فقیران تعلق دارد و او از زمانی فقیر شناخته می‌شود که مورد دستگیری قرار می‌گیرد و بدین‌سان به عضویت گروهی درمی‌آید که شاخص آن فقر است. این گروه با عمل متقابل میان اعضایش منسجم باقی نمی‌ماند؛ بلکه نگرش کلی جامعه به آنها این گروه را پایدار می‌سازد»* (کوزر، ۱۳۷۷: ۲۵۵؛ ممتاز، ۱۳۷۹: ۱۱۸-۱۱۹). همین که فقیران دستگیری دیگران را پذیرا می‌شوند، از آن پس با آنچه انجام می‌دهند در نظر گرفته نمی‌شوند، بلکه بیشتر با آنچه دیگران درباره آنان انجام می‌دهند مشخص می‌گردند.

از نظر زیمل، کمک به متکدی نوعی احساس تکلیف از سوی شهروند هم نسبت به خود و هم نسبت به فرد متکدی است. در حقیقت، با کمک به متکدی نوعی احساس و القای اخلاقی به فرد دست می‌دهد. یعنی هنگامی که عمل مساعدت به متکدی، از هر نوعی، انجام شود، اگرچه

¹ Becker

² The Poor

خودانگیخته و فردی و نه اقتضای هیچ وظیفه‌ای باشد، تکلیفی برای ادامه‌دادن آن پدید می‌آید؛ تکلیفی که نه‌تنها ادعا از جانب کسی است که مساعدت را دریافت می‌کند، بلکه همچنین احساسی است از جانب کسی که مساعدت می‌کند. تجربه‌ای عمومی است که متکدیانی که به‌طور منظم به آنان صدقه داده می‌شود، پس از مدت کوتاهی این را حق خودشان و وظیفه صدقه‌دهنده می‌دانند و اگر صدقه‌دهنده این تعهد فرضی را بجا نیاورد، آن را عدم اعطای سهم شایسته خود تفسیر کرده و نسبت به وی احساس ناخوشایندی می‌کنند؛ احساسی که حتی نسبت به کسی که همیشه از صدقه‌دادن از آنها دریغ ورزیده است، نداشتند (لوین، ۱۳۹۲: ۲۹۲).

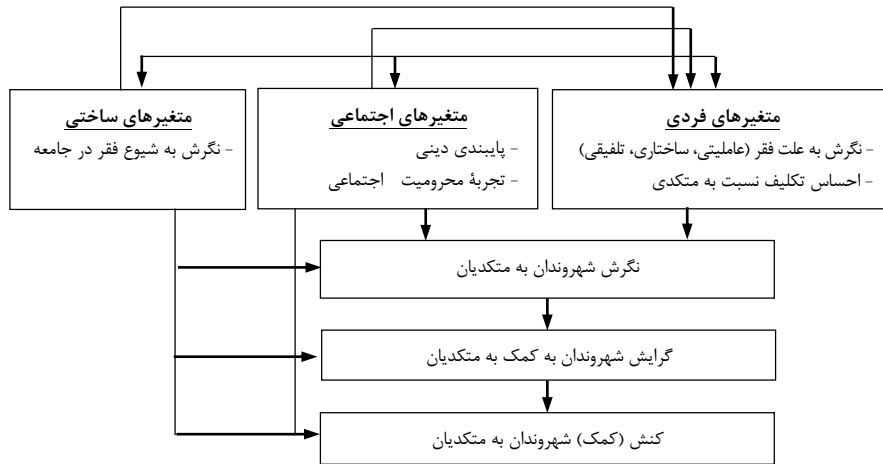
بنابراین، سه فرم رابطه میان حق و وظیفه وجود دارد: یکی، فقرا حق مساعدت شدن دارند و دومی، وظیفه‌ای برای مساعدت به فقرا وجود دارد؛ وظیفه‌ای که به آنها به‌مثابه دارنده حق معطوف نمی‌شود، بلکه به جامعه‌ای معطوف می‌شود که این وظیفه به بقای آن کمک می‌کند و نیز وظیفه‌ای که از آرگان‌هایش یا از گروه‌های خاص طلب می‌کند. فرم سوم هم این است که جمع و اشخاص مرفه وظیفه مساعدت به فقرا را دارند و هدف باید و شاید این وظیفه، تخفیف موقعیت بد فقراست. مطابق با این امر، حق فقرا به‌مثابه سوبه دیگر رابطه اخلاقی میان نیازمندان و اغنیا وجود دارد (همان: ۲۹۴). بنابراین، طبقه‌بندی رفتار یک سری افراد در قالب «تکدی‌گری» در واقع همان سنجی است که ما شهروندان با رفتار خود برمی‌سازیم. یعنی ما با کمک‌کردنمان به یک سری افراد، در قالب پول، کالا و امثال آن، طبقه‌ای را به وجود می‌آوریم که برای تأمین معاش خود به این فعالیت گرویده می‌شوند. بنابراین، از این منظر، نظریه برچسب‌زنی نظریه‌ای پیشگیرانه در زمینه تکدی‌گری به شمار می‌رود؛ یعنی ما می‌توانیم با جلوگیری از رفتارهای امدادی مستقیم خود به یک سری افراد (که اتفاقاً یکی از اهداف محوری تحقیق حاضر است) مانع از شکل‌گیری طبقه‌ای به اسم «متکدیان» شویم.

۳) و بالاخره باید از نظریه ساختاربندی‌گیدنز گفت که در این تحقیق استفاده شده است. نظریه ساختاربندی‌گیدنز، شناخته‌ترین و رساترین کوششی است که در زمینه تلفیق مسائل خرد و کلان انجام گرفته است (ریتزر، ۱۳۷۹: ۶۰۰) و در آن، گیدنز طرحی نو برای حل دوگانه‌انگاری ساختار و عاملیت در انداخته و سعی در یکپارچه‌کردن آنها دارد (گیدنز، ۱۳۷۹: ۱۸؛ گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۲). جان کلام نظریه ساختاربندی مبتنی بر این تصور است که عاملیت‌ها و ساختارها دو رشته پدیدۀ جدا از هم نیستند که در دو قطب متفاوت جای داشته باشند، بلکه هر دو خصلت ذاتاً دوگانه‌ای را نشان می‌دهند؛ خواص ساختاری نظام‌های اجتماعی، هم میانجی و هم پیامد عملکردهایی هستند که همین خواص را به‌گونه‌ای واگشتی و ارجاعی سازمان می‌دهند (ریتزر، ۱۳۷۹: ۶۰۳). گیدنز بر این باور است که افراد، فعالان جنبش‌ها، دولت‌ها و شرکت‌های چندملیتی و دیگر عاملیت‌ها، عاملین بی‌اراده ساختارها نیستند، بلکه گسترش روزافزون روند بازاندیشی چنین

قدرتی به این عاملیت‌ها می‌دهد که ساختارهای موجود را نقد و دوباره ساخت‌یابی کنند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۲). گیدنز در این نظریه استدلال می‌کند که نه سوژه و نه اَبژه، هیچ‌یک نسبت به هم ارجحیت ندارند، بلکه هر یک در اثر فعالیت‌های مکرر شکل می‌گیرند (مولان، ۱۳۸۰: ۱۴۵). اما دربارهٔ ارتباط نظریهٔ ساختاربندی گیدنز با موضوع تحقیق حاضر باید گفت که در مورد پدیدهٔ تکدی‌گری نیز با سه رویکرد عاملیت‌گرا، ساختارگرا و تلفیقی در بین افراد مواجهیم. طبق رویکرد عاملیت‌گرا، تکدی‌گری یک فرد متکدی ناشی از قصور خود اوست و خود در فقر خود و در نتیجه تکدی‌گری‌اش مقصر است. این رویکرد، فرد متکدی را زائدهٔ اجتماعی می‌داند که کارکردی برای جامعه ندارد و نفس حضورش باعث زشتی جامعه شده و هزینه‌هایی را هم بر دوش دولت می‌گذارد. اما در رویکرد ساختارگرا که رویکرد مقابل رویکرد عاملیت‌گراست، ریشهٔ تکدی‌گری فرد به عملکرد دولت‌ها در اجرای فعالیت‌ها و به‌عبارتی روشن‌تر ایجاد تحولات اقتصادی و اجتماعی در جامعه و ناتوانی دولت‌ها در تحقق عدالت اجتماعی مربوط می‌شود و بنابراین فرد در این زمینه قصوری ندارد. و بالاخره در رویکرد سوم که به رویکرد تلفیقی معروف است، تکدی‌گری یک فرد متکدی هم ریشه در قصور و کوتاهی خود او دارد و هم ریشه در عملکرد نامناسب دولت دارد. بنابراین هر دو طرف در این امر مقصرند.

در تحقیق حاضر براساس نظریهٔ ساختاربندی گیدنز به این موضوع پرداخته شد که نگرش، گرایش و کنش شهروندان تهرانی نسبت به متکدی عمدتاً ریشه در کدام رویکرد دارد و شهروندانی که از رویکردهای متفاوت عاملیت‌گرا، ساختارگرا و تلفیقی برخوردارند، چه نگرش، گرایش و در نتیجه کنشی نسبت به متکدیان دارند.

در نهایت، در این تحقیق، براساس چارچوب نظری از یک سو و مطالعات پیشین در داخل و خارج از کشور، مدل نظری تحقیق مبنی بر رویکرد شهروندان تهرانی نسبت به فعل تکدی و عاملیت متکدیان شکل گرفته است. همچنین، دربارهٔ دلایل تبیین‌کنندهٔ رویکرد شهروندان به تکدی و متکدی، گفتنی است که سه دسته عوامل فردی، اجتماعی و ساختی روی نگرش و گرایش و درعین حال میزان کمک شهروندان تهرانی به متکدی اثرگذارند. شکل (۱) مجموعهٔ این سه عامل و ساخت روابط بین آنها را در جهت تبیین موضوع نگرش، گرایش و کمک شهروندان به متکدی نشان می‌دهد که در این مطالعه سعی شد ارتباط این سه دسته عوامل با نگرش، گرایش و کمک شهروندان به متکدی آزمون و بررسی گردد.



شکل ۱. مدل نظری تحقیق مبنی بر ساخت روابط میان متغیرهای تبیین کننده رویکرد (نگرش، گرایش و کمک) شهروندان تهرانی به تکدی و متکدیان

پیشینه تجربی

پیشینه تجربی پیرامون تکدی‌گری گستره وسیعی را شامل می‌شود و سالیان بسیاری است که مطالعات زیادی پیرامون آن در داخل و خارج کشور صورت گرفته است. به طوری که این مطالعات را می‌توان در سه دسته کلی شامل بررسی وضعیت متکدیان، بررسی رویکرد مردم نسبت به متکدیان و بررسی عملکرد سازمان‌ها در ساماندهی متکدیان طبقه‌بندی کرد که البته سهم دو دسته اول از مطالعات بسیار بیشتر و وزین‌تر از دسته سوم است. باری، گرچه بسیاری از این مطالعات می‌توانند یک منبع مهم نظری و روشی برای سنجش و بررسی ساختار شکل‌گیری و گسترش تکدی‌گری در شهر تهران استفاده شوند و از این حیث زمینه انجام هرچه بهتر تحقیق حاضر را فراهم آورند، اما مطالعاتی که به‌طور مستقیم روی موضوع نحوه مواجهه شهروندان با امر تکدی و متکدیان انجام شده باشند، به‌ویژه در سطح خارج از کشور، بسیار نادرند.

در داخل کشور، از دهه ۱۳۷۰ به بعد، ادبیات تجربی حجیمی در زمینه تکدی‌گری صورت گرفته است که متأسفانه سهمی جزئی در کردارهای سیاستی و اجرایی داشته‌اند. برای مثال، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای در سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴) در «نظرسنجی از مردم تهرانی درباره تکدی‌گری» به این نتیجه رسید که ۷۱ درصد پاسخ‌گویان به تکدی کمک می‌کنند و ۲۹ درصد هیچ‌وقت به تکدی کمک نمی‌کنند (نقل از ادهمی، ترکمان، کلهر و دغاقله، ۱۳۹۰). احمدی (۲۰۱۰) با مطالعه نگرش هزار نفر از شهروندان شیرازی نسبت به پدیده تکدی‌گری دریافت که بین پابندی مذهبی، وضعیت تأهل، سطح

آموزش، روستایی یا شهری بودن، شغل و طبقه اجتماعی و نگرش شهروندان نسبت به پدیده تکدی‌گری رابطه وجود دارد که در این بین، پایبندی مذهبی بالاترین نقش را در گرایش مردم نسبت به کمک به متکدیان داشت.

نجم‌عراقی (۱۳۸۹) در بررسی نگرش هزارودویست نفر از شهروندان پانزده سال به بالای تهرانی درباره طرح ساماندهی متکدیان دریافت که بیش از نیمی از شهروندان معتقدند مسئولیت ساماندهی متکدیان در سطح شهر بر عهده شهرداری است. قریب به نیمی از آنها عملکرد شهرداری در زمینه ساماندهی متکدیان را مثبت ارزیابی کرده و نگرش آنها درخصوص طرح ساماندهی متکدیان دستخوش تغییرات مثبتی هم از حیث اطلاع درباره طرح ساماندهی (هرچند در حد اندک) و هم از حیث عملکرد شهرداری شده است. اما در سطح رفتار (میزان پرداخت پول به متکدیان)، تغییر مثبتی ایجاد نشده است.

در خارج از کشور نیز، حجم پژوهش درباره نحوه مواجهه شهروندان با تکدی و متکدیان کم است و تنها مطالعه‌ای که در این زمینه یافت شد، پیمایش عمومی در زمینه تکدی‌گری (۲۰۱۱) است که به بررسی نگرش مردم به تکدی‌گری در شهرهای دو کشور انگلیس و کانادا پرداخت. این مطالعه دریافت که از نظر نوع پاسخ به تکدی، ۴۰ درصد پاسخ خنثی، ۳۹ درصد پاسخ خیرخواهانه، ۱۸ درصد پاسخ منفی و ۳ درصد سایر پاسخ‌ها را می‌دهند. ۴۰ درصد پاسخ‌گویان تکدی‌گری را جرم ندانسته و ۳۹ درصد آن را جرم اعلام کرده‌اند. همچنین ۸۱ درصد گفته‌اند که مسئولیت مقابله با تکدی‌گری باید بر عهده دولت باشد و ۱۵ درصد گفته‌اند که خیر، دولت نباید در این زمینه ورود پیدا کند.

با توجه به مروری که بر پیشینه تجربی مرتبط با نحوه مواجهه شهروندان با تکدی و متکدیان گذشت، می‌توان تمایز اصلی تحقیق حاضر را در دو وجه اشاره کرد: یکی اینکه مطالعه حاضر بر این باور است که امر گسترش و شکل‌گیری تکدی‌گری در شهر تهران، تک‌عاملیتی نیست و عوامل متعددی در آن دخیل است. یعنی هر سه عاملیت متکدیان، مردم و سازمان‌های ذی‌ربط در شکل‌گیری و گسترش تکدی‌گری نقش دارند و نمی‌توان این امر را صرفاً به یکی از این سه عاملیت وابسته دانست. این در حالی است که اکثریت قریب‌به‌اتفاق تحقیقات قبلی در بررسی‌های نظری و تجربی خود به یکی از این سه عاملیت توجه کرده و از عاملیت‌های دیگر غافل بوده‌اند. بنابراین، از این حیث می‌توان تحقیق حاضر را فتح بابی در حوزه مطالعات مربوط به تکدی‌گری برشمرد. وجه تمایز دیگر از تحقیق حاضر، مطالعه عوامل مؤثر بر نگرش و کمک شهروندان تهرانی نسبت به متکدیان است که اکثر قریب‌به‌اتفاق تحقیقات پیشین (جز مطالعه احمدی، ۲۰۱۰) به

¹ Public Beggary Survey

این موضوع پرداخته‌اند. در نتیجه، از این زاویه نیز، تحقیق حاضر زمینه‌ای برای انجام تحقیقات بعدی در زمینه نگرش و کمک مردم به متکدیان به شمار می‌رود.

فرضیه‌ها

۱. نگرش، گرایش و کمک شهروندان تهرانی به متکدیان برحسب نگرش به ماهیت و علت فقر (عاملیتی، ساختاری، تلفیقی) متفاوت است.
۲. بین احساس تکلیف نسبت به متکدی و نگرش، گرایش و کمک شهروندان تهرانی به متکدیان رابطه وجود دارد.
۳. بین پابندی دینی و نگرش، گرایش و کمک شهروندان تهرانی به متکدیان رابطه وجود دارد.
۴. بین تجربه محرومیت اجتماعی و نگرش، گرایش و کمک شهروندان تهرانی به متکدیان رابطه وجود دارد.
۵. بین نگرش به شیوع فقر در جامعه و نگرش، گرایش و کمک شهروندان تهرانی به متکدیان رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی

۱) طرح و روش تحقیق

از نظر طرح تحقیق، مطالعه حاضر جزو خانواده طرح پیمایش است که در سه سطح اکتشافی، توصیفی و تبیینی و با روش‌شناسی کمی انجام گرفت. روش تحقیق مورد استفاده پیمایش بود که به بررسی رویکرد شهروندان تهرانی به تکدی و متکدی براساس سه بُعد نگرش، گرایش و کنش پرداخته است.

۲) جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

کلیه شهروندان مرد و زن ۱۵ تا ۶۵ ساله ساکن در مناطق بیست‌ودوگانه شهر تهران، جامعه آماری این تحقیق را تشکیل داده‌اند که از بین آنها تعداد پنج منطقه به‌عنوان قلمرو نمونه انتخاب شدند. حجم نمونه نیز براساس فرمول کوکران (با مقادیر: $t=1/96$ ، $\alpha=0/5$ مقدار احتمال و عدم احتمال، $\alpha=0/05$ ضریب دقت برآورد) برابر با ۳۸۴ نفر برآورد گردید که به دلیل پایین بودن حجم نمونه در برخی مناطق، تعداد کل نمونه از ۳۸۴ نفر به ۶۰۰ نفر بالغ گردید و این تعداد با روش‌های نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، تصادفی نظام‌مند و ساده، در سال ۱۳۹۵ مورد پیمایش قرار گرفتند. همچنین از بین مناطق بیست‌ودوگانه شهر تهران، پنج منطقه برای پیمایش انتخاب شدند. برای انتخاب این پنج منطقه، از مطالعه موسایی (۱۳۸۸) استفاده شد که براساس آن، مناطق تهران براساس ترکیبی از شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی (متوسط هزینه سالانه خانوار،

شکاف طبقاتی در مصرف، تراکم جمعیت، شکاف درآمدی، تعداد نفرات در واحد مسکونی، تمرکز مشاغل پایه) و شاخص‌های فضایی (سرانه فضای سبز، میانگین مساحت قطعات مسکونی، میانگین مساحت زیربنای املاک، کاربری صنعتی فضاهای تفریحی، کاربری اداری، کاربری تجاری، کاربری نظامی) به پنج پهنه بالا، متوسط رو به بالا، متوسط، متوسط رو به پایین و پایین تقسیم شدند. براساس این تقسیم‌بندی، در مطالعه حاضر، براساس پراکندگی جغرافیایی مناطق، مناطق سه و شش از پهنه بالا، منطقه پنج از پهنه متوسط رو به بالا، منطقه دوازده از پهنه متوسط، منطقه پانزده از پهنه متوسط رو به پایین و منطقه نوزده از پهنه پایین انتخاب شدند.

سنجه‌ها

۱) مفهوم کلیدی تحقیق: تکدی‌گری

تکدی‌گری عبارت است از «طیفی از فعالیت‌هایی که از طریق آن، فرد به دلایل سلامتی یا مذهبی، از یک غریبه بر این اساس که فقیر یا نیازمند بخشش‌های خیریه‌ای است، طلب پول می‌کند. متکدیان، همچنین، ممکن است اقلام ناچیزی مانند وسایل گردگیری یا گل را با پول مبادله کنند که این اقلام فروشی شاید ارزش کمی برای فروش داشته باشند» (دفتر بین‌المللی کار، ۲۰۰۴: ۲۲). در این تحقیق، متکدیان مورد مطالعه شامل دو دسته‌اند: دسته اول، متکدیان کلاسیک که بدون ارائه هیچ‌گونه خدمتی به شهروندان، از آنها درخواست پول می‌کنند. دسته دوم متکدیان استفاده‌کننده از فعالیت‌های کمکی که در ازای ارائه خدماتی مانند فروش گل، تمییز کردن شیشه اتومبیل، فروش فال و... از شهروندان درخواست پول می‌کنند.

۲) متغیرهای وابسته

متغیر وابسته این تحقیق از سه متغیر تشکیل شده است: دو متغیر وابسته میانی به اسامی نگرش به تکدی و گرایش به کمک به تکدی، و سومی متغیر وابسته نهایی به اسم کمک به تکدی.

۲-۱. متغیرهای وابسته میانی

نگرش به تکدی اولین متغیر وابسته میانی است که در این تحقیق در قالب سه بُعد نگرش به هویت متکدیان، نگرش به دلایل تکدی و نگرش به آثار کمک به متکدیان سنجش شده است. هر کدام از این سه بُعد از طریق سه گویه با طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای از کاملاً موافقم (با کد ۱) تا کاملاً مخالفم (با کد ۵) سنجش شده که جمع نمره این گویه‌ها، مقیاس کل هر بُعد و در نهایت جمع این سه بُعد، مقیاس کل نگرش به تکدی را به دست می‌دهد. بر این اساس، نمره بالاتر به معنای نگرش مثبت‌تر و نمره پایین‌تر به معنای نگرش منفی‌تر به تکدی است. مقیاس نگرش

¹ International Labour Organization

به متکدی دارای پایایی به میزان ۰/۷۲ بود که نشان‌دهنده سازگاری درونی بالای گویه‌های آن است. ضمن آنکه پایایی مقیاس سه بُعد نگرش به هویت متکدیان ($\alpha=0/77$)، نگرش به دلایل تکدی ($\alpha=0/76$) و نگرش به آثار کمک به متکدیان ($\alpha=0/88$) بالا بود.

گرایش به کمک به متکدی دومین متغیر وابسته میانی تحقیق است که در این تحقیق از طریق سه گویه با طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای از کاملاً موافقم (با کد ۱) تا کاملاً مخالفم (با کد ۵) سنجش شده که جمع نمره این گویه‌ها، شاخص کل هر بُعد و در نهایت جمع این سه بُعد، شاخص کل گرایش به کمک به متکدی را نشان می‌دهد. بر این اساس، نمره بالاتر به معنای گرایش بیشتر و نمره پایین‌تر به معنای گرایش کمتر شهروندان به کمک به متکدی است. مقیاس گرایش به کمک به متکدی دارای پایایی ۰/۷۸ بود که نشان‌دهنده سازگاری درونی بالای گویه‌های آن است.

۲-۲. متغیر وابسته نهایی

کمک به متکدی متغیر وابسته غایی است که در این تحقیق ارتباط عوامل مستقل با آن از یک سو و ارتباط نگرش به متکدی با آن از سوی دیگر سنجش و بررسی شد. کمک شهروندان به متکدی برحسب میزان و دفعات کمک و دستگیری آنها از متکدیان در قالب مقیاس فاصله‌ای سنجش شد.

در ضمن، یکی از کاربردهای مهم متغیر کمک شهروندان به متکدی در تحقیق حاضر استفاده از آن برای سنخ‌بندی و گونه‌شناسی شهروندان از حیث کمک و دستگیری از متکدیان است که اتفاقاً یکی از اهداف تحقیق نیز به شمار می‌رود. براساس این دو متغیر می‌توان شهروندان تهرانی را به چهار دسته شهروندان دستگیری‌کننده قهار، معمولی، خنثی و بی‌توجه، و طردکننده طبقه‌بندی کرد:

(الف) دستگیری‌کننده قهار: شهروندانی هستند که همیشه به متکدی کمک می‌کنند.

(ب) دستگیری‌کننده معمولی: شهروندانی هستند که همیشه به متکدیان کمک نمی‌کنند، اما معمولاً این کار را انجام می‌دهند. این طبقه از شهروندان گاهی به متکدیان کمک می‌کنند و گاهی خیر.

(ج) دستگیری‌کننده خنثی و بی‌توجه: شهروندانی هستند که نسبت به کمک به متکدی خنثی هستند و کمک کردن یا نکردن به متکدیان اهمیتی برای آنها ندارد.

(د) غیردستگیری‌کنندگان: این سنخ از شهروندان که در حقیقت طردکنندگان تلقی می‌شوند، کسانی هستند که اصلاً کمکی به متکدیان نکرده و آنها را طرد می‌کنند.

۳) متغیرهای مستقل

• **احساس تکلیف نسبت به متکدی:** به معنای احساس وظیفه‌ای است که شهروندان نسبت به کمک به متکدی می‌کنند. برای سنجش این مقیاس، سه گویه در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای از کاملاً موافقم (با کد ۱) تا کاملاً مخالفم (با کد ۵) طراحی شده و از پاسخ‌گویان خواسته شد تا

احساس تکلیف خود نسبت به متکدی را روی این طیف نشان دهند. مقدار پایایی این مقیاس برابر با ۰/۹۶ بود که دلالت بر سازگاری درونی بالای آن دارد.

• **نگرش به ماهیت فقر:** نگرش به معنای گرایش روان‌شناختی در رابطه با ارزیابی مطلوب یا نامطلوب فرد از یک واحد یا شی خاص است. بنابراین، نگرش به ماهیت فقر به معنای نگرشی است که افراد نسبت به ماهیت و در واقع علت فقر در جامعه دارند. در این تحقیق، ماهیت فقر در سه طبقه عملیتی، ساختاری و تلفیقی به صورت مقیاس اسمی تعریف شده است. بنابراین، به تبع این سه ماهیت، با سه علت فقر یعنی خود فرد و مردم (علت عملیتی)، دولت (علت ساختاری)، و هم فرد و مردم و هم دولت (علت عملیتی و ساختاری) مواجهیم که در این تحقیق، نظر شهروندان نسبت به این مسئله بررسی شد.

• **پایبندی دینی:** از نظر کوپینگ، مک‌کولاج و لارسن^۱ (۲۰۰۱: ۱۸)، پایبندی دینی نظام سازمان‌یافته‌ای از باورها، کردارها، شعائر و نمادهاست که با هدف تسهیل قرب به امر قدسی یا متعالی (خدا، قدرت عالی تر یا حقیقت/واقعیت غایی) و پرورش درک از رابطه و مسئولیت‌پذیری فرد نسبت به دیگران در زندگی کردن با همدیگر در یک اجتماع ایجاد شده است. پایبندی دینی ابعاد متعددی مانند اعتقادی، تجربی، پیامدی، اخلاقی، شرعی و مناسکی را شامل می‌شود، اما در این تحقیق، سنجش پایبندی دینی در بین شهروندان در قالب دو بُعد اعتقادی و مناسکی و براساس نظریه گلاک و استارک^۲ (۱۹۶۵: ۱۹-۲۰) انجام گرفته است. مقیاس کل پایبندی دینی دارای پایایی به میزان ۰/۹۴ بود که حکایت از سازگاری درونی بالای آن دارد.

بُعد اعتقادی باورهایی را دربرمی‌گیرند که انتظار می‌رود پیروان آن دین بدان‌ها اعتقادات داشته باشند (سراجزاده، ۱۳۸۳: ۶۳-۶۴). بُعد اعتقادی در قالب گویه‌هایی با مقیاس ترتیبی و طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت از کاملاً موافقم (با کد ۵) تا کاملاً مخالفم (با کد ۱) سنجش شد که جمع این گویه‌ها میزان پایبندی اعتقادی به دین را نشان می‌دهد. مقدار پایایی این مقیاس دلالت بر سازگاری درونی بالای گویه‌های آن دارد ($\alpha=0/94$).

بُعد مناسکی یا عمل دینی اعمال دینی مشخص نظیر عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های مقدس خاص، روزه‌گرفتن و... را که انتظار می‌رود پیروان هر دین آنها را به‌جا آورند، دربرمی‌گیرد (سراجزاده، ۱۳۸۳: ۶۳-۶۴). برای سنجش بُعد مناسکی دین‌داری در بین پاسخ‌گویان، از هفت سؤال مبنی بر دفعات رفتن به مسجد، گرفتن روزه، خواندن نماز، خواندن قرآن، همکاری با مسجد محل یا مؤسسات اسلامی، شرکت در نماز جمعه و شرکت در مراسم اعیاد مذهبی و عزاداری‌ها

¹ Koenig, McCullough & Larson

² Glock & Stark

استفاده شد. پایایی مقیاس پایبندی به مناسک دینی برابر با ۰/۸۶ بود که نشان از سازگاری درونی بالای گویه‌های آن دارد.

- **تجربه محرومیت اجتماعی:** در این تحقیق، احساس و به عبارتی دقیق‌تر تجربه محرومیت اجتماعی پاسخ‌گویان در گذشته در قالب یک سؤال هفت‌گزینه‌ای شامل بسیار بالا، بالا، متوسط رو به بالا، متوسط، متوسط رو به پایین، پایین و بسیار پایین سنجش شد. به طوری که از پاسخ‌گویان خواسته شد تا وضعیت مالی خود در دوران گذشته (کودکی، نوجوانی و جوانی) را ارزیابی کرده و اشاره نمایند که از این حیث خود را جزو کدام طبقه می‌دانند.
- **نگرش به شیوع فقر در جامعه:** به معنای نگرش فرد نسبت به شیوع فقر و خطر فقر در جامعه است که قطعاً این نگرش روی نگرش کلی او نسبت به متکدی و در نتیجه کمک و دستگیری‌اش از متکدی مؤثر است. این نگرش در قالب یک سؤال چهارگزینه‌ای سنجش شد که طی آن، پاسخ‌گویان می‌بایست ارزیابی خود از شیوع فقر در جامعه را روی طیفی شامل خیلی شایع، شایع، در حد طبیعی و کم نشان دهند.

یافته‌ها

۱) بافت جمعیتی نمونه

بیش از نیمی از شهروندان پاسخ‌گو مرد (۵۳/۳ درصد)، بیش از یک‌سوم در گروه سنی ۲۱-۳۰ سال (۳۴/۹ درصد) ($M=۳۵/۴$ ، $SD=۱۳/۱$)، بیش از نیمی متأهل (۵۲/۴ درصد)، بیش از نیمی شاغل (۵۷/۳ درصد)، ۴۱/۶ درصد دارای تحصیلات فوق‌دیپلم و لیسانس (۴۱/۶ درصد)، بیش از چهارپنجم متولد شهر (۸۲/۵ درصد) بوده‌اند.

رویکرد شهروندان تهرانی نسبت به متکدیان

جدول ۱. بافت جمعیتی نمونه

متغیرها	طبقات	f	درصد	M	SD	متغیرها	طبقات	f	درصد	
جنس	مرد	۳۲۰	۵۳/۳	-	-	وضعیت اشتغال	شاغل	۳۴۴	۵۷/۳	
	زن	۲۸۰	۴۶/۷				غیر شاغل	۲۵۶	۴۲/۷	
	کل	۶۰۰	۱۰۰				کل	۶۰۰	۱۰۰	
سن	۱۵-۲۰ سال	۵۵	۹/۳	۱۳/۱	۳۵/۴	وضعیت تأهل	مجرد	۲۳۹	۴۰	
	۲۱-۳۰ سال	۲۰۶	۳۴/۹				متاهل	۳۱۳	۵۲/۴	
	۳۱-۴۰ سال	۱۵۹	۲۶/۹				سایر (مطلقه، همسر فوت کرده، همسر متارکه)	۱۴	۷/۵	
	۴۱-۵۰ سال	۸۶	۱۴/۶				کل	۵۹۷	۱۰۰	
	۵۱ سال و بالاتر	۸۵	۱۴/۴				محل تولد	شهر	۴۸۶	۸۲/۵
	کل	۵۹۱	۱۰۰					روستا	۱۰۳	۷۲/۵
								کل	۵۸۹	۱۰۰
تحصیلات	بی سواد	۹	۱/۵	۱/۲	۵/۴					
	خواندن و نوشتن	۱۰	۱/۷							
	ابتدایی و نهضت	۱۸	۳							
	راهنمایی	۵۴	۹/۱							
	دیپلم	۱۷۳	۲۹							
	فوق دیپلم و لیسانس	۲۴۸	۴۱/۶							
	فوق لیسانس و بالاتر	۸۴	۱۴/۱							
	کل	۵۹۶	۱۰۰							

۲) توصیف متغیرهای وابسته: نگرش، گرایش و کنش شهروندان نسبت به تکدی و متکدی

۲-۱. نگرش شهروندان به تکدی و متکدیان

در این تحقیق، نگرش شهروندان به کنش تکدی از سه حیث نگرش به هویت متکدیان، نگرش به دلایل تکدی و نگرش به آثار کمک به متکدیان بررسی شد و نتایج نشان داد که:

- نگرش شهروندان نسبت به هویت متکدیان: بیش از نیمی از شهروندان (۵۸/۵ درصد) اعتقاد داشتند که متکدیان گدانا هستند و بیشتر تظاهر به وضعیت نداری و نیاز می کنند و در مقابل ۲۱/۹ درصد متکدیان را واقعی دانسته که از روی نیاز به این کار روی آورده اند.
- نگرش شهروندان نسبت به دلایل تکدی: در رابطه با این موضوع که تکدی گری مشیت الهی است یا امری فردی و خود فرد در آن مقصر است، نتایج دلالت بر اعتقاد شهروندان به ماهیت غیر قضایی و غیر تقدیری تکدی داشت. به طوری که به زعم شهروندان تهرانی، تکدی گری را نه خدا بلکه خود

متکدی تولید و بازتولید می‌کند. قریب به دوسوم شهروندان (۶۴/۲ درصد) به ماهیت غیرقدری تکدی اشاره داشته و در این رابطه فرد متکدی را مقصر دانسته‌اند که با اختیار خویش به این کار روی می‌آورد و در مقابل ۱۵/۱ درصد نیز اعتقاد داشتند که متکدیان گناهی در گرایششان به تکدی‌گری ندارند و دست مشیت الهی در کار بوده است.

- نگرش شهروندان نسبت به آثار کمک به متکدیان: ۷۰/۷ درصد شهروندان اعتقادی به آثار کمک خود به متکدیان نداشته و مخالف تأثیر مثبت این کمک بر زندگی، داشتن اجر معنوی و جلوگیری از چشم‌زخم و... بودند. این در حالی است که در مقابل این عده، ۱۴ درصد شهروندان قائل به این آثار بوده‌اند.
- مقیاس کل نگرش به کنش تکدی: در کل، شهروندان نگرش منفی نسبت به کنش تکدی داشته و آن را فعلی غیراخلاقی و ریشه در دلایل فردی دانسته، باوری به آثار مثبت کمک به متکدی نداشته و مطلقاً آن را به‌عنوان یک حرفه تلقی نمی‌کنند. در این رابطه، قریب به دوسوم شهروندان (۶۴/۶ درصد) نگرش منفی و ۱۸/۴ درصد نگرش مثبت به کنش تکدی داشتند.

جدول ۲. نگرش شهروندان نسبت به کنش تکدی

نوع نگرش	نگرش شهروندان نسبت به هویت متکدیان		نگرش شهروندان نسبت به دلایل تکدی		نگرش شهروندان نسبت به آثار کمک به متکدیان		مقیاس کل نگرش به کنش تکدی	
	درصد	f	درصد	f	درصد	f	درصد	f
بسیار مثبت	۲۰	۱۲۰	۵/۸	۳۵	۴	۲۴	۶/۸	۴۱
مثبت	۳۵/۸	۲۱۵	۹/۳	۵۶	۱۰	۶۰	۱۱/۷	۷۰
بینابین	۲۲/۳	۱۳۴	۲۰/۷	۱۲۴	۱۵/۳	۹۲	۱۶/۸	۱۰۱
منفی	۱۳/۷	۸۲	۳۵/۲	۲۱۱	۳۴/۷	۲۰۸	۳۵/۳	۲۱۲
بسیار منفی	۸/۲	۴۹	۲۹	۱۷۴	۳۶	۲۱۶	۲۹/۳	۱۷۶
کل	۱۰۰	۶۰۰	۱۰۰	۶۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
M	۳.۵۲		۲.۳۱		۲.۳۱		۲.۷۱	
SD	۱.۱۶		۱.۲۰		۱.۲۰		۱.۱۹	

۲-۲. گرایش شهروندان نسبت به کمک به متکدیان

شهروندان تهرانی اعتقادی به دریافت کمک به‌عنوان یک حق از سوی متکدی نداشتند. در حقیقت، این باور که کمک کردن به متکدی یک حق است، باوری نسبتاً منسوخ در بین شهروندان تهرانی است، اما در عین حال ۲۳/۷ درصد آنها اعتقاد داشته‌اند که متکدیان مستحق دریافت کمک‌اند ($M=۲/۵۶$, $SD=۱/۲۶$) و ۱۴/۹ درصد نیز گفته‌اند که بایستی به متکدیان کمک کرد ($M=۲/۲۵$, $SD=۱/۱۸$). البته برخی از شهروندان که نسبت بالایی هم است (۳۰/۶ درصد) اعتقاد داشته‌اند که به هر متکدی نباید کمک کرد و آنهایی در اولویت‌اند که نقص عضو دارند ($M=۲/۷۶$, $SD=۱/۲۹$).

در رابطه با موضوع گرایش شهروندان تهرانی به کمک به متکدیان، سؤال جداگانه‌ای نیز مبنی بر میزان تمایل شهروندان به کمک به متکدی مطرح شد که با توجه به شرایط مثبت فرهنگی در

بین شهروندان برای عدم کمک به متکدیان، نتایج نشان داد که بسیاری از آنها تمایلی به این کمک ندارند. به طوری که بیش از یک سوم آنها (۳۴/۶ درصد) گفته‌اند که اصلاً تمایلی به کمک کردن به متکدیان ندارند و درعین حال ۳۶/۴ درصد آنها میزان تمایل خود به این کار را در حد کم عنوان کرده‌اند. این در حالی است که در نقطه مقابل این گروه، تنها ۷/۲ درصد شهروندان از تمایل بالای خود برای کمک به متکدیان گفته‌اند ($M=1/82$, $SD=1/09$).

۳-۲. کنش شهروندان نسبت به متکدی

- استراتژی طرد متکدیان از سوی شهروندان: قریب به نیمی از شهروندان (۴۸/۲ درصد) نسبت به متکدیان کنش طرد و ۳۰ درصد کنش شمول داشته‌اند. از طرفی، میزان طرد متکدیان توسط شهروندان برحسب ماهیت کنش متفاوت است و هرچه آن کنش بیشتر به سلامتی و تماس فیزیکی متکدیان با شهروندان برگردد، متکدیان بیشتر طرد می‌شوند. برای مثال، در مورد استفاده از همان آرایشگاهی که متکدیان در آن موی سر خویش را اصلاح می‌کنند، ۲۲/۷ درصد آنها در حد کم و ۲۶/۸ درصد در حد اصلاً به این مورد پاسخ داده‌اند ($M=2/49$, $SD=1/43$). اما در مورد گرفتن پول خرد از فروشنده‌ای که از پول خرد متکدیان استفاده می‌کند (۳۳/۱ درصد کم و ۱۳/۶ درصد اصلاً؛ $M=2/60$, $SD=1/41$) یا خرید از یک سوپرمارکت (۲۷/۷ درصد کم و ۹ درصد اصلاً؛ $M=2/93$, $SD=1/41$)، این نسبت طرد از سوی شهروندان کمتر می‌شود.
- شایع‌ترین حالت‌های مواجهه با متکدیان: درخواست پول (۷۸ درصد)، فال فروشی (۸ درصد)، تمییز کردن شیشه اتومبیل (۶ درصد) و گل فروشی (۵ درصد) بیشترین حالتی بودند که شهروندان با متکدیان روبه‌رو شده‌اند.
- کمک به متکدی: ۶۲ درصد شهروندان تهرانی به متکدیان کمک می‌کنند و در مقابل ۳۸ درصد آنها اصلاً این کار را نمی‌کنند.
- انگیزه کمک به متکدی: مهم‌ترین انگیزه‌های کمک شهروندان به متکدیان، کمک کردن و نیت خیر (۳۷/۲ درصد)، احساس ترحم (۲۴/۳ درصد) و انسان دوستی (۱۳/۶ درصد) بوده است.
- دفعات کمک به متکدی (سالانه): از بین شهروندانی که به متکدیان کمک می‌کنند، بیشتر آنها (۴۶/۹ درصد) سالانه به اندازه پنج بار و کمتر به متکدیان کمک می‌کنند ($M=17/98$).
- این در حالی است که کمک شهروندان به متکدیان بسته به ماه‌های مختلف متفاوت است. به طوری که این کمک در ماه‌ها و اعیاد مذهبی (محرم، رمضان و...) بیشتر از بقیه ماه‌هاست.
- شکل کمک به متکدی: بیشترین کمک شهروندان تهرانی به متکدیان به شکل دادن پول (۷۵/۶ درصد) است و ۵/۷ درصد آنها نیز معمولاً کالا به متکدیان می‌دهند.

- مبلغ کمک به متکدی (سالانه): بیش از یک سوم شهروندان (۳۶/۶ درصد) سالانه مبلغی در حد پنج هزار تومان و کمتر به متکدی کمک می‌کنند و مبلغ کمک ۳۲/۳ درصد آنها نیز در حد یازده تا پنجاه هزار تومان است ($M=95/200$ ، $SD=168/300$).

۳) سنخ‌بندی شهروندان تهرانی برحسب میزان کمک به متکدیان

یکی از اهداف اصلی این تحقیق، سنخ‌بندی شهروندان تهرانی برحسب میزان کمک آنها به متکدیان است که بر این اساس، شهروندان تهرانی از نظر کمک به متکدیان در چهار سنخ: (۱) دستگیری‌کننده قهار، (۲) دستگیری‌کننده معمولی، (۳) دستگیری‌کننده خنثی و بی‌توجه و (۴) غیردستگیری‌کننده قرار گرفته‌اند. به طوری که حدود دو سوم شهروندان (۶۸/۲ درصد) دستگیری‌کننده معمولی هستند؛ یعنی گاهی کمک می‌کنند و گاهی هم کمک نمی‌کنند. ۱۵/۵ درصد آنها افرادی خنثی و منفعل هستند و کمک کردن یا نکردن برای آنها فرقی ندارد. ضمن اینکه ۷/۶ درصد آنها طردکنندگان هستند؛ یعنی شهروندانی‌اند که کاملاً متکدیان را طرد می‌کنند و در هیچ حالتی حاضر به کمک به آنها نیستند. از بین کل شهروندان پاسخ‌گو، ۸/۷ درصد آنها در سنخ دستگیرکنندگان قهار هستند و همیشه به متکدیان کمک می‌کنند.

جدول ۳. سنخ‌بندی شهروندان تهرانی برحسب میزان کمک به متکدی

سنخ‌های شهروندان	f	درصد
دستگیری‌کننده قهار	۳۱	۸/۷
دستگیری‌کننده معمولی	۲۴۲	۶۸/۲
دستگیری‌کننده خنثی و بی‌توجه	۵۵	۱۵/۵
غیردستگیری‌کننده (طردکننده)	۲۷	۷/۶
کل	۳۵۵	۱۰۰

۴) توصیف متغیرهای مستقل

- احساس تکلیف شهروندان نسبت به متکدیان: احساس تکلیف دوسوم شهروندان (۶۶/۳ درصد) نسبت به کمک به متکدیان پایین و این احساس تنها در ۱۹/۳ درصد آنها بالاست ($M=2/20$ ، $SD=1/27$).
- پایبندی دینی: میزان دین‌داری شهروندان تهرانی در حد متوسط روبه‌بالاست (۵۸/۸ درصد زیاد و ۲۹/۵ درصد کم؛ $M=3/49$ ، $SD=1/54$) که البته بخش اعظم آن به خاطر اعتقاد دینی آنهاست تا انجام مناسک دینی. به طوری که میزان اعتقاد دینی در ۷۴/۸ درصد شهروندان زیاد است ($M=4/11$ ، $SD=1/22$) و در بُعد مناسکی و میزان انجام شعائر دینی، میزان انجام این مناسک تنها در بیش از یک سوم آنها (۳۵/۳ درصد) بالاست ($M=2/78$ ، $SD=1/53$). این نتیجه نشان می‌دهد که بسیاری از شهروندان تهرانی از نظر اعتقادی و باوری دین‌دار هستند، اما از نظر انجام مناسک دینی شدت دین‌داری در آنها ضعیف‌تر است.

- تجربه محرومیت اجتماعی: در کل وضعیت مالی شهروندان در گذشته در حد متوسط رو به بالا بوده است. به طوری که ۴۷/۳ درصد از شهروندان وضعیت مالی خود در گذشته را در حد متوسط، ۲۴/۱ درصد در حد متوسط رو به بالا و ۱۴/۵ درصد در حد متوسط رو به پایین اعلام کرده‌اند.
- شیوع فقر در جامعه: از نظر بیش از نیمی از شهروندان (۵۸ درصد) فقر در جامعه بسیار شایع است و گریبان بسیاری را گرفته است.

۵) آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: نگرش، گرایش و کمک شهروندان تهرانی به متکدیان بر حسب نگرش به ماهیت و علت فقر (عاملیتی، ساختاری، تلفیقی) متفاوت است.

نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه مبنی بر تفاوت نگرش، گرایش و کمک شهروندان تهرانی به متکدیان نشان داد که شهروندانی که نگرش‌های متفاوتی به ماهیت و علت فقر در جامعه دارند، نگرش و گرایش متفاوتی به متکدیان دارند و در نتیجه کمک متفاوتی به آنها می‌کنند. به طوری که شهروندانی که معتقدند علت فقر ساختاری است و دولت مقصر اصلی در این زمینه است، هم نگرش مثبت‌تری به کنش تکدی دارند ($F(3, 509) = 8/342, p < 0/001, \eta^2 = 0/04$)، اما هم گرایش بیشتری به کمک به آنها دارند ($F(3, 509) = 8/463, p < 0/001, \eta^2 = 0/04$). در مورد کمک به متکدیان، بیشترین کمک را از سوی شهروندانی می‌بینیم که درجه اول علت فقر را عاملیتی و از جانب مردم می‌دانند و در درجه بعدی علت آن را تلفیقی می‌دانند ($F(3, 509) = 2/766, p < 0/05, \eta^2 = 0/01$).

جدول ۴. نتایج آزمون F جهت مقایسه نگرش، گرایش و کمک شهروندان به متکدیان بر حسب نگرش به ماهیت و علت فقر

Duncan	η^2	p	F(3, 509)	گروه قائل به نقش تلفیقی (مردم، متکدیان و دولت)		گروه قائل به نقش ساختار (دولت)		گروه قائل به نقش عاملیت (متکدیان)		گروه قائل به نقش عاملیت (مردم)		متغیرها
				SD	M	SD	M	SD	M	SD	M	
۰.۱ < ۴.۳ ۲	۰/۰۴	۰/۰۰۱	۸/۳۴۲	۵/۸۵	۲۰/۹۴	۵/۷۲	۲۲/۲۳	۶/۰۹	۱۸/۴۰	۶/۷۶	۲۰/۶۱	نگرش به کنش تکدی
< ۱.۴, ۳ ۲	۰/۰۴	۰/۰۰۱	۸/۴۶۳	۲/۹۴	۷/۶۸	۲/۷۶	۸/۱۶	۳/۰۹	۶/۲۶	۳/۴۰	۷/۵۰	گرایش به کمک به متکدیان
۰.۱, ۴ < ۲ ۳	۰/۰۱	۰/۰۵	۲/۷۶۶	۱/۵۵	-۰/۰۱	۱/۵۱	-۰/۲۰	۱/۲۶	۰/۳۵	۱/۳۶	-۰/۰۴۸	کمک به متکدیان

فرضیه دوم تا پنجم: بین احساس تکلیف نسبت به متکدی و نگرش و کمک شهروندان تهرانی به متکدیان رابطه وجود دارد.

به دلیل استفاده از آزمون یکسان برای آزمون فرضیه‌های دوم تا پنجم تحقیق و نیز به منظور اجتناب از تطویل مقاله و جداول مربوطه، این چهار فرضیه به صورت مشترک در جدول (۵) ارائه شده است. نتایج این بررسی نشان داد که:

- متغیرهای دین‌داری شهروندان و تجربه محرومیت اجتماعی ارتباطی با نگرش، گرایش و کمک آنها به متکدیان ندارند. اما در مورد احساس تکلیف شهروندان نسبت به متکدیان، این رابطه با میزان کمک آنها به متکدیان معنی‌دار است ($r(599)=0/108$, $p<0/05$)، اما در مورد رابطه آن با نگرش و گرایش به کمک چنین رابطه‌ای وجود ندارد.

- شهروندانی که شیوع فقر را در جامعه شایع‌تر می‌دانند، گرایش بیشتری به کمک به متکدیان دارند ($r(599)=0/119$, $p<0/01$) و در عمل نیز کمک بیشتری به آنها می‌کنند ($p<0/05$ ، $r(599)=0/083$) تا شهروندانی که ارزیابی از شیوع فقر در جامعه ندارند. اما در مورد نگرش به کنش تکدی، تفاوتی را در شهروندان شاهد نیستیم و نگرش همه آنها به آن یکسان است ($r(599)=0/071$, $p>0/05$).

- شهروندانی که نگرش مثبت‌تری به کنش تکدی دارند، گرایش بیشتری هم به کمک به آنها دارند ($r(599)=0/678$, $p<0/001$) و در عمل نیز میزان کمک آنها به متکدیان بیشتر است ($r(599)=0/112$, $p<0/01$). ضمن اینکه شهروندانی که گرایش بیشتری نسبت به کمک به متکدیان دارند، در عمل نیز به میزان بیشتری به متکدیان کمک می‌کنند ($r(599)=0/165$, $p<0/001$).

جدول ۵. آزمون رابطه بین احساس تکلیف نسبت به متکدی، پایبندی دینی، تجربه محرومیت اجتماعی

و نگرش به شیوع فقر در جامعه با نگرش، گرایش و کمک شهروندان به متکدیان

متغیرها	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱- احساس تکلیف نسبت به متکدی	۱۹/۷۹	۹/۳۹							
۲- پایبندی دینی	۵۵/۰۳	۱۰/۵۶	۰/۰۶۶						
۳- تجربه محرومیت اجتماعی	۴/۱۵	۱/۰۵	۰/۰۷۸	۰/۰۶۴					
۴- نگرش به شیوع فقر در جامعه	۳/۴۸	۰/۶۹	۰/۰۷۱	۰/۰۰۳	۰/۰۴۸				
۵- نگرش به کنش تکدی	۲۰/۸۳	۶	۰/۰۱۱	۰/۰۶۵	۰/۰۴۸	۰/۰۷۱			
۶- گرایش به کمک به متکدیان	۷/۵۷	۲/۹۹	۰/۰۱۰	۰/۰۴۹	۰/۰۵۰	۰/۱۱۹**	۰/۶۷۸***		
۷- کمک به متکدیان	۰/۰۱	۱/۴۹	۰/۱۰۸*	۰/۰۵۲	۰/۰۲۵	۰/۰۸۳*	۰/۱۱۲**	۰/۱۶۵***	

$p < 0/001$ *** $p < 0/01$ ** $p < 0/05$ *

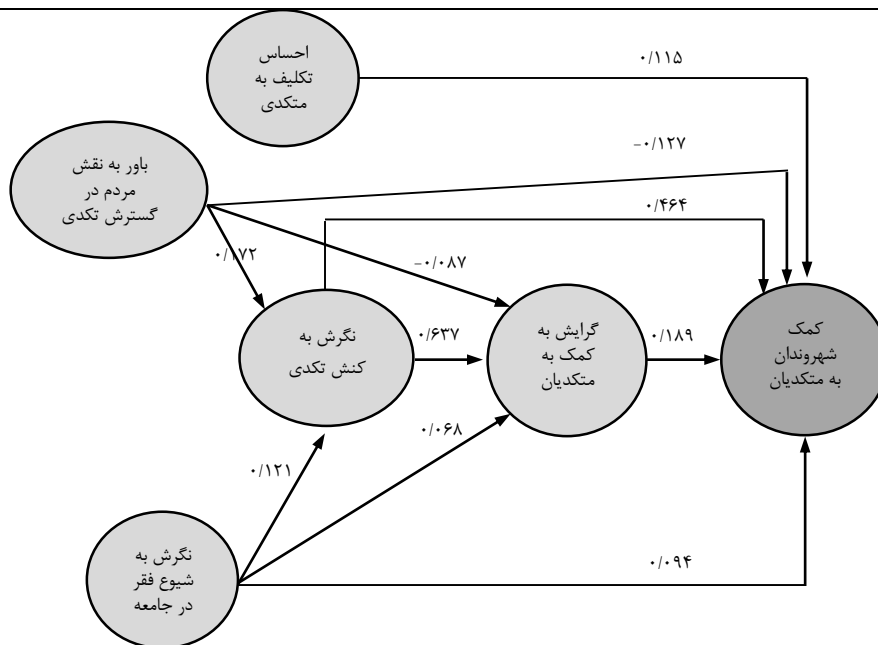
۶) تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر کمک شهروندان تهرانی به متکدیان

برای انجام تحلیل مسیر روی کمک شهروندان تهرانی به متکدیان، تمام پنج متغیر مستقل به برنامه رگرسیونی معرفی شدند. نتایج این تحلیل نشان داد که دو متغیر دین‌داری و تجربه محرومیت اجتماعی، همچنان فاقد اثر معنی‌داری روی کمک به متکدیان بودند، اما سه متغیر دیگر به همراه دو متغیر نگرش به کنش تکدی و گرایش به کمک به متکدیان، به سه شیوه صرفاً مستقیم، صرفاً غیرمستقیم و هم مستقیم و هم غیرمستقیم و با ضریب بتاهای مختلف بر کمک شهروندان تهرانی به متکدیان تأثیر دارند که جمع‌بندی کیفیت تأثیرگذاری متغیرهای مستقل، حکایت از آن دارد که شهروندان با ویژگی‌های زیر کمک بیشتری به متکدیان می‌کنند:

۱. نگرش مثبت‌تری به کنش تکدی داشته و آن را مشیت الهی می‌دانند تا قصور فرد، مردم یا دولت ($\beta=0/584$).
۲. گرایش بیشتری به کمک به متکدیان دارند ($\beta=0/189$).
۳. اعتقاد بیشتری به شیوع فقر در سطح جامعه دارند ($\beta=0/183$).
۴. نسبت به کمک به متکدی احساس تکلیف می‌کنند ($\beta=0/115$).
۵. اعتقاد بیشتری دارند که مردم بیش از خود متکدیان و دولت در گسترش تکدی در شهر تهران نقش دارند ($\beta=-0/042$).

جدول ۶. میزان تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر کمک شهروندان به متکدیان

تأثیر کل	جمع تأثیرات غیرمستقیم	تأثیرات غیرمستقیم					تأثیر مستقیم	متغیرهای مستقل
		۵	۴	۳	۲	۱		
۰/۵۸۴	۰/۱۲۰	۰	۰	۰	۰/۱۲۰	۰	۰/۴۶۴	۱- نگرش به کنش تکدی
۰/۱۸۹	-	۰	۰	۰	۰	۰	۰/۱۸۹	۲- گرایش به کمک به متکدیان
۰/۱۸۳	۰/۰۸۹	۰	۰	۰	۰/۰۱۳	۰/۰۷۶	۰/۰۹۴	۳- نگرش به شیوع فقر در جامعه
۰/۱۱۵	-	۰	۰	۰	۰	۰	۰/۱۱۵	۴- احساس تکلیف به متکدی
-۰/۰۴۲	۰/۰۸۵	۰	۰	۰	-۰/۰۱۶	-۰/۱۰۱	-۰/۱۲۷	۵- باور به نقش مردم در گسترش تکدی



شکل (۲) مدل تحلیل مسیر تأثیر متغیرهای مستقل بر کمک شهروندان به متکدیان

بحث و نتیجه گیری

یافته‌ها نشان داد که از نظر شهروندان شکل‌گیری و حتی گسترش تکدی در شهر تهران معلول سه عاملیت به‌ترتیب سازمان‌های متولی، مردم و متکدیان است که این امر تداعی‌کننده نظریه ساختاربنندی‌گیدنز مبنی بر ترکیب عاملیت (مردم و متکدی) و ساختار (دولت) در شکل‌گیری و گسترش تکدی در شهر تهران است. براساس این رویکرد تلفیقی، تکدی‌گری یک فرد متکدی هم ریشه در قصور و کوتاهی خود او دارد و کمک مردم نیز در آن مؤثر است، و هم ریشه در عملکرد نامناسب دولت دارد. بنابراین، هر دو طرف عاملیت و ساختار در این امر مقصرند. ضمن اینکه نگرش، گرایش و کمک شهروندان تهرانی نسبت به متکدی نیز با نگاه آنها به علت تکدی مرتبط است و در نتایج شاهد بودیم شهروندانی که علت تکدی را دولت می‌دانستند، نگرش و گرایش مثبت‌تری به کنش تکدی داشته و درعین حال کمک بیشتری به متکدیان می‌کنند.

اما در سوی دیگر موضوع، قطعاً اگر بخواهیم این سه عاملیت را از هم تفکیک کنیم و سهم نسبی هر یک را مشخص کنیم، بایستی بگوییم که دولت در محوریت این موضوع قرار دارد و دو عاملیت دیگر (یعنی مردم و متکدیان) تحت شعاع آن هستند. به عبارتی، دولت مقتدر و توانمند قادر است از یک طرف با فرهنگ‌سازی درست در بین مردم مانع از کمک مردم به متکدیان شود

و از طرف دیگر با تدوین و اجرای سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی مناسب، مانع از شکل‌گیری فرهنگ فقر در متکدیان گردد.

اما در این نوشتار با توجه به قلمرو محتوایی آن که محدود به رویکرد شهروندان به تکدی و متکدی است، باید اشاره کرد که در بحث شکل‌گیری و گسترش تکدی‌گری در شهر تهران با رویکرد طردکنندگی در بین شهروندان تهرانی مواجهیم؛ به طوری که بسیاری از شهروندان تهرانی به ماهیت غیرقضایی و غیرتقدیری تکدی اعتقاد داشته و به زعم آنها تکدی‌گری را نه خدا بلکه خود متکدی تولید و بازتولید می‌کند. براساس این باور، فرهنگی که بر متکدی حاکم است وی را به سمت این فعل کشانده و اینکه خداوند یک سری را متکدی آفریده تعبیر نادرستی است. شهروندان تهرانی به ماهیت غیرقدری تکدی اشاره کرده و در این رابطه فرد متکدی را مقصر دانسته‌اند که با اختیار خویش به این کار روی می‌آورد. در یافته‌های مطالعات قبلی پیداست که بخشی از شهروندان تهرانی نگرش مثبتی به کمک به متکدیان داشته و در عمل نیز همیشه به آنها کمک می‌کنند. این دسته از شهروندان کسانی‌اند که ماهیت و علت تکدی را قدری و قضایی دانسته و در عین حال دولت را مقصر فقر این افراد و در نتیجه گرویدن آنها به تکدی می‌دانند.

بنابراین، یافته‌ها حاکی از آن است که نگرش شهروندان نسبت به متکدیان منفی است. شهروندان کنش تکدی را کنشی غیراخلاقی و دلیل‌گرایش به آن را فردی و غیرتقدیری دانسته و اعتقاد چندانی هم به این موضوع ندارند که کمک کردن به متکدی اجر معنوی داشته یا جلوی چشم‌زخم و... را می‌گیرد. در اثر همین نگرش و عدم احساس تکلیف شهروندان نسبت به کمک به متکدیان، بسیاری از آنها تمایلی به کمک کردن به متکدی ندارند، البته این بی‌میلی به شکل فردی است؛ چه بسا تحلیل‌های عمیق‌تر داده‌ها نشان داد که بسیاری از آنها (۷۳/۹ درصد) حاضرند به شکل سازمان‌یافته و از کانال مؤسسات حمایتی، که اعتماد بیشتری به آنها دارند تا دولت (۶۳/۲ درصد)، به متکدیان کمک کنند. در حقیقت، شهروندان تهرانی دوست دارند به متکدیان به‌عنوان یک سنخ اجتماعی و نیازمند کمک کنند، اما ترجیح می‌دهند که این کمک نه از راه فردی، بلکه از کانال مؤسسات غیردولتی صورت گیرد. نتایج مطالعات متعددی که در زمینه اعتماد نهادی صورت گرفته، حاکی است که مردم اعتماد پایینی به نهادهای دولتی دارند و بنابراین ترجیح می‌دهند که از کانال غیردولتی به متکدیان کمک کنند.

در سوی دیگر، نباید اعتقاد برخی (۱۶/۴ درصد) شهروندان تهرانی به این موضوع را فراموش کنیم که کمک به متکدیان را مبنای اجر اخروی می‌دانند و بر همین اساس ۲۳/۷ درصد آنها اعتقاد داشته‌اند که متکدیان مستحق دریافت کمک‌اند ۱۴/۹ درصد و نیز گفته‌اند که بایستی به متکدیان کمک کرد. اما اگر به دین مبین اسلام توجه کنیم، همان‌طور که اوگونکان (۲۰۱۱) اشاره می‌کند، گرچه اسلام هر فرد مسلمان را مجاب به صدقه‌دادن می‌کند، اما به هیچ طریق این به

معنای حمایت از تکدی‌گری نیست. نتایج مطالعات قبلی (نریمانی، ۱۳۸۰) نیز در همین زمینه حاکی از آن است که برخورد با تکدی‌گری در فرهنگ مردم ایران، حامل برخی پارادوکس‌های اساسی است. یعنی بخشی از این مردم درعین حال که باور دارند کمک به متکدیان باعث گسترش آن در جامعه شده و در نهایت به جامعه آسیب می‌رساند (۶۵/۹ درصد)، اما همچنان معتقدند که گدایان افرادی نیازمند ترحم و کمک‌اند (۶۲/۱ درصد) و کمک به آنان یک امر واجب است. بنابراین، در چنین شرایطی، هر قدر هم سازمان‌ها موفق عمل کنند عملکرد آنها عقیم خواهد ماند؛ چراکه زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی و فرهنگی همچنان موافق کمک به متکدی است.

چه‌بسا براساس نظریهٔ برچسب‌زنی، این شهروندان با کنش (کمک) خود به متکدی، سنخ متکدی را تولید و بازتولید می‌کنند. آنها با کمک کردن به یک سری افراد در قالب پول، کالا و امثال آن، طبقه‌ای را به وجود می‌آورند که برای تأمین معاش خود به این فعالیت گرویده می‌شوند. از طرفی، به مجرد اینکه متکدیان دستگیری دیگران را پذیرا می‌شوند، از آن پس، آنها با آنچه انجام می‌دهند در نظر گرفته نمی‌شوند، بلکه بیشتر با آنچه دیگران دربارهٔ آنان انجام می‌دهند مشخص می‌گردند. بنابراین، موافق با زیمل، متکدی یک سنخ اجتماعی است و زمانی پدید می‌آید که جامعه و شهروندان او را به‌عنوان یک منزلت اجتماعی به رسمیت شناخته و در نتیجه مورد دستگیری قرار می‌دهند.

از طرفی، ناآگاهی شهروندان از اقدامات سازمان‌های متولی و به‌ویژه شهرداری تهران باعث ارزیابی منفی آنها از عملکرد این سازمان‌ها و شهرداری شده و این ارزیابی قطعاً روی نگرش و رفتار شهروندی در زمینهٔ تکدی‌گری از یک سو و سایر حوزه‌های شهروندی تأثیر خواهد گذاشت؛ به‌طوری که یکی از تبعات شدید این امر می‌تواند عدم همراهی شهروندان با دولت و شهرداری در مبارزه با تکدی‌گری باشد. نتایج تکمیلی تحقیق نشان داد شهروندانی که از اقدامات شهرداری آگاه‌اند، عملکرد آن را بهتر از شهروندانی ارزیابی می‌کنند که فاقد چنین آگاهی‌اند یا حتی آگاهی کمتری در این زمینه دارند. این نتیجه بر حلقهٔ مفقوده‌ای به اسم اطلاع‌رسانی مؤثر شهرداری به شهروندان درخصوص رفتار آنها نسبت به متکدیان از یک سو و اقداماتی که خود در این زمینه صورت داده‌اند، از سوی دیگر دلالت دارد.

و در پایان اینکه یکی از محدودیت‌های تحقیق که در حقیقت به نوعی به مزیت آن در معرفی‌اش به‌عنوان کاری نو در این زمینه تبدیل شده، نبود پیشینهٔ تحقیق مرتبط در زمینهٔ عوامل مؤثر بر نگرش، گرایش و کمک مردم به متکدیان است. قطعاً نبود چنین مطالعاتی، محقق را در انتخاب متغیرهای تأثیرگذار دچار زحمت و البته توفیق اجباری کرده است. در هر صورت، وجود مطالعاتی مشابه در این زمینه می‌توانست به مفهوم‌سازی و علم‌یاتی‌سازی متغیرهای تأثیرگذار کمک کند. از طرفی، به‌منظور دریافت یافته‌های دقیق‌تر و عمیق‌تر از شهروندان، انجام

مصاحبه عمیق با شهروندان تهرانی و حتی برگزاری جلسات بحث گروهی متمرکز می‌تواند یافته‌های دقیق‌تر و عمیق‌تری از نگرش، گرایش و کمک این شهروندان به متکدیان ارائه دهد. حتی پیشنهاد می‌شود این مصاحبه و بحث گروهی با شهروندانی صورت گیرد که در اماکن و فضاهای مختلف به متکدیان کمک می‌کنند.

منابع

- ادهمی، ج، ترکمان، م، کلهر، س و دغاقله، ع (۱۳۹۰) کلان‌شهر تهران و تکدی‌گری، تهران: اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، طرح پژوهشی.
- حاجیان‌مطلق، م (۱۳۸۱) «تأملی بر پدیده تکدی و ریشه‌های آن در ایران»، در: مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، تهران: انتشارات آگاه، ۱۹۱-۲۲۲.
- حبیب‌پور گتایی، ک (۱۳۹۱) بررسی عملکرد شهرداری، سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی (ره) و وزارت کشور در برخورد با پدیده تکدی‌گری در پنج سال اخیر، تهران: سازمان بازرسی کل کشور، طرح پژوهشی.
- ریتزر، ج. (۱۳۷۹). نظریه جامعه‌شناسی معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- سراج‌زاده، س. ح (۱۳۸۳) چالش‌های دین و مدرنیته: مباحثی جامعه‌شناختی در دین‌داری و سکولارشدن، تهران: طرح نو.
- صدیق سروستانی، ر. ا (۱۳۸۳) آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آن.
- کربلایی، ع. ا و کربلایی، ش (۱۷ تیر، ۱۳۸۸) «ارزشیابی عملکرد»، دسترسی در تاریخ ۱۰ بهمن ۱۳۹۰، از <http://www.rasekhoon.net/article/show-32766.aspx>
- کوچکیان‌فرد، ح (۱۳۸۱) «مفهوم تکدی و اقدامات دولت و سازمان‌های غیردولتی در برخورد با آن»، در: مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، تهران: انتشارات آگاه، ۲۲۳-۲۶۴.
- کوزر، ل (۱۳۷۷) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- گیدنز، آ (۱۳۸۰) پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- گیدنز، آ (۱۳۸۴) چشم‌اندازهای جهانی، ترجمه محمدرضا جلائی‌پور، تهران: طرح نو.
- لوین، د (۱۳۹۲) گئورگ زیمل: درباره فردیت و فرم‌های اجتماعی، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران: ثالث.
- مرکز مطالعات و تحقیقات و سنجش برنامه‌ای وابسته به سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴) نظرسنجی از مردم تهران درباره تکدی‌گری، تهران، طرح پژوهشی.
- ممتاز، ف (۱۳۷۹) جامعه‌شناسی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

منتظر قائم، م (۱۳۸۶) تکدی‌گری در ایران (مجموعه تحلیل‌های آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران)، تهران: انتشارات سلمان.

موسایی، م (۱۳۸۸) آسیب‌شناسی، امکان‌سنجی و تدوین اصول طراحی الگوهای مشارکت شهروندان در امور شهری، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، گزارش پژوهشی. مولان، ب (۱۳۸۰) نظر جامعه‌شناسان درباره جامعه‌شناسی، ترجمه یوسف نراقی، تهران: اطلاعات. نجم‌عراقی، ر (۱۳۸۹) بررسی نگرش شهروندان تهرانی درباره طرح ساماندهی متکدیان، تهران: اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.

نریمانی، م (۱۳۸۰) بررسی پدیده تکدی‌گری و رابطه آن با فقر در استان اردبیل، اردبیل: استانداری اردبیل، گزارش پژوهشی.

Ahamdi, H (2010) 'A Study of Beggars Characteristics and Attitude of People Towards the Phenomenon of Begging in the City of Shiraz', *Journal of Applied Sociology*, 21th Year, 39(3), Autumn.

Becker, H. S (1963) *Outsiders: Studies in the Sociology of Deviance*, New York: Macmillan.

Glock, Ch. & Stark, R (1965) *Religion and Society in Tension*, Chicago: McNally.

ILO (International Labour Organization) (2004) 'A Rapid Assessment of Bonded Labour in Domestic Work and Begging In Pakistan, Karachi', Available on <http://www.Isn.Ethz.Ch/Isn/Digital-Library/Publications/Detail/?Ots591=0c54e3b3-1e9c-Be1e-2c24-A6a8c7060233&Lng=En&Id=45187>.

JRF (JOSEPH ROWNTREE FOUNDATION) (2000) 'The Links Between Begging, Rough Sleeping and the Big Issue in Glasgow and Edinburgh', Available on <http://www.Jrf.Org.Uk/Sites/Files/Jrf/510.Pdf>.

Koenig, H. G, Mccullough, M. E & Larson, D. B (2001) *Handbook Of Religion And Health*, New York: Oxford University Press.

Ogunkan, D. V (2011) 'Begging and Almsgiving in Nigeria: the Islamic Perspective', *International Journal of Sociology and Anthropology*, 3(4): 127-131.

Public Beggary Survey (2011) 'A Public Survey on Beggary, People's Union for Civil Liberties, Bangalore Chapter, Jan-Feb', Available on <http://PuclKarnataka.Org/Wp-Content/Uploads/2011/04/Beggarsurveyanalysis.Pdf>.